

صدای مردم در
پرشان احوالیچرا فریادهای ما
به آسمان نمی‌رسد؟!

قادر باستانی‌تیریزی

پژوهشگر علوم ارتباطات

دل‌مشغولی مردم در باره سرنوشت کشور، فضای سنگینی را بر جامعه گسترانیده است. مردم از بازگشت تحریم‌ها به‌واسطه فعال شدن مکانیزم‌های ماشه‌نگران‌اند. آنها بیش از هر چیز نیاز دارند احساس کنند که شنیده می‌شوند، که صدایشان پژواکی دارد، اما دریغ که در رسانه‌های دولتی مخصوصاً رسانه ملی، صدای حاکمیت طنین‌انداز است و صدای مردم کمتر مجالی برای بروز می‌یابد. این نادیده‌انگاری، اعتماد اجتماعی را تا حدی فرسوده کرده است. واقعیت این است که حرف‌درمانی و سخنان مقامات - حتی آنان که به‌ظاهر قدرت دارند- دیگر مرهمی بر زخم مردم نیست. وقتی آنان که قدرت اصلی را در دست دارند، گویی در جهانی دیگر زندگی می‌کنند، طبیعی است که جامعه احساس بی‌پناهی کند. امروز بیش از هر زمان، نیازمند کسانی هستیم که در کنار مردم بایستند، با آنان گفت‌وگو کنند، چشم‌اندازی روشن نشان دهند و مرهمی بر اضطراب‌شان باشند. ریلکه، شاعر آلمانی، روزی پرسید: «اگر من غریب‌سر دهم، آیا کسی از میان طبقات آسمان، صدای مرا خواهد شنید؟» این پرسش شاعرانه، حکایت حال مردم سرزمین ماست. مردمانی که فریادشان شنیده نمی‌شود و رفته‌رفته احساس می‌کنند داستان زندگی‌شان در سکوت و بی‌توجهی محو می‌شود. ایلف‌شافاک در کتاب «فرانگی در عصر تفرقه» می‌نویسد: «وقتی صدای کسی گرفته‌شود، انگار از زندگی محروم می‌شود.» حقیقت همین است. ما انسان‌ها از داستان ساخته شده‌ایم. روایت‌های ما از گذشته، تجربه‌های اکنون و رویاهای آینده، همه با داستان پیوند می‌خورند. اگر کسی نتواند داستان خود را بازگو کند، گویی بخش مهمی از انسان‌بودنش از او دریغ شده است. این روایت‌های خاموش‌شده از بین نمی‌روند، بلکه به‌شکل خشم، سرخورده‌گی، بی‌تفاوتی بازمی‌گردند. این همان تپش خاموشی است که در چهره جوانان امروز جامعه‌مان پیداست. مایا آنجلو، شاعر آمریکایی، گفته است: «هیچ عذابی بالاتر از آن نیست که انسانی داستان ناگفته‌ای در دل داشته باشد.» انسان بی‌داستان، انسانی از‌خودبیگانه است. جامعه‌ای که داستان‌های مردم‌اش شنیده نمی‌شود، دیر یا زود به چرخه‌ای از خشنونت و بی‌تفاوتی گرفتار می‌شود. بی‌تفاوتی شاید در ظاهر آرام باشد، اما در حقیقت، مخرب‌ترین احساس انسانی است. پوسته‌ای است که روی دردها کشیده می‌شود، اما آن زیر، اضطراب، یأس و خشم جریان دارد. جامعه‌ای که به این مرحله برسد، در ضعیف‌ترین موقعیت تاریخی خود قرار می‌گیرد. راه برون‌فت روشن است، باید تکثر را به‌رسمیت شناخت. تکثر یک اسم نیست، یک فعل است و اقدامی برای پذیرش واقعیت‌های متنوع جامعه. فرهنگ نه در بخشنامه‌ها و نه در اتاق‌های بسته شکل می‌گیرد. فرهنگ در عرصه عمومی زنده است، در جایی که هرکس سهمی از روایت دارد. وقتی این صداها کنار هم قرار بگیرند، همچون نورون‌های مغز، شبکه‌ای زنده می‌سازند که فرهنگ را پیش می‌برد و سرزمین را نیرومند می‌کند. آنتونیو گرامشی، نظریه‌پرداز ایتالیایی، در «فقرهای زندان» از «بدبینی عقل و خوش‌بینی اراده» سخن می‌گوید. او تأکید می‌کند که واقع‌بینانه باید وضعیت موجود را دید، اما همزمان با قدرت اراده، باید از افتادن به ورطه ناامیدی پرهیز کرد. در بحران‌ها، اخبار و اطلاعات تنها کافی نیستند؛ آنها بدبینی عقل را تقویت می‌کنند. ما نیازمند سطحی بالاتر هستیم که دانش و خرد است. دانش به ما عمق می‌دهد و خرد، ترکیب عقل بدبین با اراده خوش‌بین است؛ همان چیزی که به جامعه امکان می‌دهد از بحران عبور کند. امروز مردم ما بیش از هر زمان دیگر نیازمند شنیده‌شدن‌اند. آنان به‌دنبال کسی نیستند که برایشان تصمیم بگیرد یا از بالا نصیحت‌شان کند. آنان می‌خواهند روایت‌شان شنیده شود و جایگاه‌شان در حیات ملی به‌رسمیت شناخته شود. در چنین فضایی است که می‌توان امید را بازسازی کرد. یک‌دست‌سازی، تک‌صدایی و حذف صداهای متفاوت، تنها به پژمردگی می‌انجامد. برعکس، هوای صداهای متنوع است که یک سرزمین را نیرومند می‌کند. ما وقتی بپذیریم که جامعه سرشار از روایت‌ها و تجربه‌های گوناگون است، تازه می‌توانیم وحدت حقیقی را بسازیم؛ وحدتی بر پایه بر پایه هم‌افزایی. فرهنگ یک ملت، قوی‌ترین سلاح آن است. اگر جلوی داستان‌های مردم را بگیریم، در برابر حرکت فرهنگ ایستاده‌ایم. اما اگر اجازه دهیم صداها شنیده شوند، فرهنگ بالنده می‌شود، خود را با تغییرات هماهنگ می‌کند و نیرویی می‌شود برای عبور از بحران‌ها. این سرزمین برای بقا و بالندگی، بیش از هر چیز به شنیدن صداهای مردم نیاز دارد. شنیدن، نه به‌عنوان امتیازی بالا، بلکه به‌مثابه حق بنیادین؛ حقی که هم جامعه را سرزنده می‌کند و هم حاکمیت را از تهایی و بی‌اعتمادی نجات می‌دهد. امروز بیش از هر زمان دیگر باید شنو باشیم.

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس‌عبدی و احمدزیدآبادی
• سردبیر: محمدجوادروح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی‌ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



لیگ ک خانه به‌دوشان

لیگ برتر ایران در حالی آغاز شده که نیمی از تیم‌ها
حتی یک ورزشگاه هم برای برگزاری مسابقات ندارند

سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

هفته چهارم لیگ برتر فوتبال ایران در حالی برگزار شد که بسیاری از تیم‌های میزبان به‌دلیل نبود ورزشگاه‌های مورد تأیید فدراسیون و سازمان لیگ، مجبور به بازی در زمین‌های دیگری شدند و همین امر حواشی زیادی را به‌بار آورد. البته فجر شهید سپاسی که نتوانسته بود مجوز برگزاری مسابقات در ورزشگاه زیبای پارس شیراز را اخذ کند هم با چالش عجیب و البته ناراحت‌کننده‌ای روبه‌رو شد که مسئولان ورزش استان فارس باید قردران سرنوشت باشند که این حادثه، فوتی یا مصدوم خیلی حادی بر جای گذاشت. لیگ برتر فوتبال ایران در حالی وارد سال بیست‌وپنجم برگزاری شده که هنوز پنج ورزشگاه مدرن و پنج ستاره در کل کشور ایران وجود ندارد. در این گزارش قصد داریم از کاستی‌های ورزشگاه‌هایی بنویسیم که پیش‌تر از سوی مسئولان گفته شده بود این ورزشگاه‌ها کاملاً آماده برگزاری مسابقات در لیگ برتر ایران هستند.

ورزشگاه تختی؛ هر روز بدتر از دیروز

در خردادماه ۱۳۴۵ «جهانگیر درویش» مشغول طراحی ورزشگاه ۲۰هزار نفری شد. تصمیم گرفته شد که این استادیوم به‌دلیل طراحی خاص خود در منطقه تهران پارس تهران ساخته شود. این منطقه به‌دلیل داشتن ارتفاع زیاد نسبت به مرکز شهر، شیب کم و بکنواخت زمین به طرف کوه و خصوصاً فضای آزاد و باز دامنه کوه، بهترین موقعیت را برای یک مجموعه ورزشی دارا بود. درنهایت بعد از تصویب این طرح، این سازه طی ۱۳ ماه از صفر تا ۱۰۰ کار ساخته و به بهره‌برداری رسید. اولین ورزشگاه سازه کابلی در قاره آسیا که هنوز هم نما و پلان آن زیبایی خاص خود را دارد، تمام کابل‌ها از فولادی به قدرت استقامت فوق‌العاده یعنی ۱۶۰ کیلوگرم بر حسب میلی‌متر مربع ساخته شده‌اند و گالوانیزه شده‌اند تا در مقابل زنگ‌زدگی حفظ شوند و در تهیه آن‌ها از همان مشخصات فنی که در مورد کابل‌های ورزشگاه المپیک مونیخ به کار رفته، استفاده شده است. این ورزشگاه که بیش از ۴۵ سال پیش افتتاح شده طبعاً نیاز به نگهداری و بازسازی دارد اما آنچه از نزدیک مشاهده شد عدم‌نگهداری صحیح و ازبین‌رفتن بسیاری از بخش‌های این سازه است که باعث‌شده دیگر کیفیت سابق را نداشته باشد. موضوع مهمی که برای برگزاری یک مسابقه فوتبال نیاز است، زمین چمن باکیفیت است که ورزشگاه تختی در کمال شگفتی، یکی از بدترین چمن‌های ممکن در لیگ برتر را داشت. نکته عجیب این است که داوود رفعتی، مسئول استانداردهای ورزشگاه‌ها در جمع خبرنگارها گفت، آب چاه این ورزشگاه کیفیت سابق را نداشت و باعث شد که چمن وضعیت‌اش بد شود اما همین چمن در قیاس با سال گذشته، اوضاع بهتری دارد! این نقل‌قول عجیب از مسئول استانداردهای ورزشگاه‌ها در تهران است. مسئله دیگر در ورزشگاه تختی این بود که جایگاه خبرنگاران تغییر کرده در حالی که هیچ آسانسوری برای رسیدن خبرنگاران به جایگاه مخصوص خبرنگاران وجود نداشت و بیش از ۲۰ دقیقه پیاده‌روی نیاز بود تا به این جایگاه برسیم.

بعد از فاجعه زمین چمن ورزشگاه تختی اعلام شد، این ورزشگاه فعلاً میزبان هیچ مسابقه‌ای نخواهد بود تا کاستی‌ها رفع شود. سوال اصلی این است که مگر نباید همین کاستی‌هایی که تمام

تماشاگران و هواداران فوتبال دیدند، قبل از برگزاری یک مسابقه رفع می‌شد؟ چطور ممکن است اول، بازی را برگزار می‌کنند و بعد به فکر برطرف کردن کاستی‌های آن هستند؟

فاجعه پارس شیراز

یکی از نکات مثبت لیگ برتر در فصل جدید، صعود فجر شهید سپاسی و البته میزبانی در ورزشگاه خانگی و ۵۰ هزار نفری پارس شیراز بود که در هر دو دیدار خانگی بیش از ۵۰ هزار نفر مسابقه فجر را از نزدیک تماشا کردند که باعث‌شده میانگین جمعیت هواداران روی سکو در فصل جاری افزایش پیدا کند. اما در جریان هفته چهارم لیگ برتر فوتبال، جمعه‌شب فجرسپاسی در ورزشگاه پارس شیراز میزبان ذوب‌آهن بود و در حاشیه این بازی اتفاقی ناگواری رخ داد. یکی از صفحه‌های فلزی سازه ورزشگاه کنده شد و از ارتفاع بالا روی سر تماشاگران افتاد که خوشبختانه صدمه جانی در پی نداشت. فعلاً امتیاز میزبانی ورزشگاه پارس شیراز - که پیش‌تر مورد تأیید سازمان لیگ قرار گرفته بود - تعلیق شده و تا اطلاع ثانوی و تا زمانی که ایرادهای ورزشگاه برطرف نشود، هیچ دیداری در این ورزشگاه برگزار نخواهد شد. نکته قابل توجه این است که سه امتیاز از فجر شهید سپاسی قبل از شروع مسابقات لیگ کسر شده بود و حالا با رخ‌دادن چنین حادثه‌ای در ورزشگاه خانگی‌شان بعید به‌نظر می‌رسد سازمان لیگ و بالاتر از آن فدراسیون فوتبال این سه امتیاز منفی را به فجر‌ها برگرداند. اگر این سه امتیاز برگردد، فجر می‌تواند یکی از تیم‌های صدرنشین تا پایان هفته چهارم باشد. نکته عجیب و البته تأسفار این است که طی ۴۸ ساعت اخیر بارها تلاش شد تا با یکی از مسئولان ورزش در استان فارس و یکی از مدیران باشگاه فجر سیاسی دراین زمینه صحبت کنیم که هیچ یک حاضر به پاسخگویی نشدند و به‌صورت کاملاً خودجوش (!) موبایل همگی خاموش شد تا پاسخ روشنی از آنچه رخ‌داده حداقل از افراد مسئول نداشته باشیم. این درحالی است که بعد از صعود فجر به لیگ برتر تمام مسئولان استانی و مدیران باشگاه فجر همگی تلفن و موبایل خود را پاسخ دادند تا بخشی از این صعود لقب گرفته باشند.

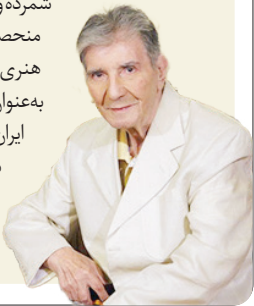
۶ تیم بدون ورزشگاه

با گذشت چهار هفته از مسابقات لیگ برتر از جمع ۱۶ تیم لیگ برتری، شش تیم بدون ورزشگاه خانگی هستند و باید در ورزشگاه‌هایی که میهمان هستند، بازی کنند. پرسپولیس و استقلال که بیش از دو سال است به‌جز دو تا سه مسابقه، رنگ ورزشگاه آزادی را ندیدند و باید در ورزشگاه شهدای شهرقدس بازی کنند. تیم فوتبال چادرملو اردکان نیز در این فصل باید در تهران از رقبای خود میزبانی کند چراکه ورزشگاه‌شان در یزد و اردکان آماده نشده است. تراکتور تبریز نیز در حال حاضر نمی‌تواند در ورزشگاه ۷۰هزار نفری یادگار امام مسابقاتش را برگزار کند و باید در ورزشگاه بنیاد دیزل ۱۰ هزار نفری کار را پیش ببرد. استقلال خوزستان نیز دیگر تیمی است که باید در ورزشگاه خانگی فولاد به زمین برود تا ورزشگاه غدیر اهواز آماده شود. وقتی ۴۰ درصد تیم‌های لیگ برتر حتی یک ورزشگاه خانگی معمولی و پنج‌ستاره ندارند تا بتوانند از رقبای خود میزبانی کنند، چه اصراری به برگزاری مسابقات با این سبک و سیاق است؟ کریم باقری بعد از تساوی پرسپولیس مقابل چادرملو در جمع خبرنگاران به همین موضوع معترض شد و گفت: «فوتبال ایران با این عظمت و بزرگی یک ورزشگاه استاندارد برای برگزاری یک مسابقه فوتبال ندارد. فوتبال را تعطیل کنید تا این ورزشگاه‌های نصفه‌نیمه آماده شوند».

چهره

جادوگر تحریرهای ناب

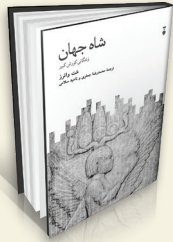
هشت‌سال پیش در چنین روزی، موسیقی سنتی ایران یکی از صداهای متمایز و استاد تحریر و تلفیق بی نظیر شعر و آواز را از دست داد. نادر دلدار گلچین، معروف به نادر گلچین در دهم آذرماه ۱۳۱۵ در رشت به دنیا آمد. صدای خاص و سبک تلفیقی گلچین در شعر و موسیقی ایرانی، او را از هم‌نسلانش متمایز کرد. با آغاز فعالیت هنری در رادیورشت، سپس مهاجرت به تهران، در کنار استادان بزرگ موسیقی چون فرامرز پایور، فریدون شهبازیان و عباس خوشدل قرار گرفت تا هنر آواز را به اوج برساند. اودر بازخوانی قطعاتی چون «مرغ سحر» با ارکستر فرامرز پایور، نشان داد که به اصالت و ظرافت موسیقی ایرانی پایبند است و بیش از ۳۰ اثر در کارنامه هنری‌اش ثبت کرد. نادر گلچین، آوازش را با شناخت عمیق شعر و تحریرهای شمرده و استادانه آمیخته بود و با این ویژگی هاسبک منحصر‌به‌فرد خود را ساخت. هر چند فعالیت‌های هنری او پس از انقلاب کمتر شد، اما جایگاهش به‌عنوان هنرمندی تأثیرگذار در موسیقی سنتی ایران حفظ شد. گلچین در ۸۰ سالگی و در ۳۱ شهریورماه ۱۳۹۶ درگذشت، اما همچنان در قلب دوستداران موسیقی ایرانی زندگی می‌کند.



کتابخانه

پرت‌های نوین از کوروش کبیر

کتاب «شاه جهان» نوشته مت واترز، مورخ و متخصص امپراتوری هخامنشی به‌تارگی از سوی نشر نومنتشرو در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. این کتاب، پرت‌های دقیق و علمی از زندگی کوروش، بنیان‌گذار امپراتوری هخامنشی ارائه می‌دهد. مت واترز در «شاه جهان»، با وجود کمبود منابع دست اول درباره زندگی کوروش، سعی کرده تا با رویکردی پژوهشی و مستند، مرز میان آنچه می‌دانیم، نمی‌دانیم و نمی‌توانیم بدانیم را روشن کند. این کتاب با کنار هم گذاشتن منابع مختلف؛ از استوانه کوروش و کتیبه‌های بابلی گرفته تا نوشته‌های مورخان یونانی و یافته‌های باستان‌شناسی، تصویری چندوجهی و متعادل از کوروش خلق می‌کند. «شاه جهان» به خواننده کمک می‌کند تا دلیل ماندگاری و تأثیر جهانی میراث کوروش کبیر را بهتر درک کند. در نتیجه خواندن آن به‌عنوان منبعی ارزشمند برای شناخت یکی از تأثیرگذارترین شاهان جهان برای علاقه‌مندان تاریخ باستان و شخصیت‌های بزرگ تاریخی، مناسب است. نشر نو، «شاه جهان» را در ۲۲۶ صفحه، با ترجمه محمدرضا جعفری و ناهیدسلامی و به قیمت ۵۵۰ هزار تومان چاپ کرده است.



شاه جهان

نویسنده: مت واترز

مترجمان: محمدرضا

جعفری و ناهید سلامی

انتشارات: نشر نو

تاریخ

عملیات انتقام



صدام حسین در ۲۶ شهریورماه سال ۱۳۵۹، قرارداد الجزایر را به‌صورت یک‌جانبه لغو کرد و پنج روز بعد، در ساعت ۱۳:۴۵ روز ۳۱ شهریورماه حمله گسترده زمینی و هوایی به

ایران را آغاز کرد. در موج اول حملات ارتش بعث به ایران، ۱۰ مرکز مهم نظامی توسط جنگنده بمب‌افکن‌های نیروی هوایی عراق، بمباران شد و همزمان با حملات جنگنده‌ها، ۱۲ لشکر مکانیزه نیز روی زمین، حملات وسیع خود به خاک ایران را آغاز کردند. باین‌همه‌دو، سه ساعت پس از آغاز رسمی جنگ، هشت فروند از جنگنده‌های ارتش ایران به بمباران کردن دو پایگاه نیروی هوایی عراق در خاک آن کشور پرداخت. در این واکنش سریع و غیرقابل باور برای دشمن، نیروهای ایرانی، از پایگاه سوم شکاری همدان و ششم شکاری بوشهر، در قالب دو گروه چهار فروندی به پایگاه هوایی شعبیه در استان بصره عراق و پایگاه هوایی کوت در استان العماره حمله و اولین پاسخ کوبنده را به عراقی‌ها دادند. دومین حمله سراسری هوایی نیروی هوایی ارتش نیز در اولین دقیق‌روز یکم مهرماه ۱۳۵۹ در قالب طرح نبرد البرز با حمله همزمان ۱۴۰ فروند انواع جنگنده شکاری آغاز شد.